

An Investigation into the Ruling of ‘Iddah in Different Forms of Artificial Insemination from the Perspective of Imāmīyyah Jurisprudence ¹

Sayyed Mohsen Mortazavi 

Higher Level Instructor in Islamic Seminary, Graduate level Four of Qom Islamic Seminary, Teacher of al-Mostafa International University ; mohazerat@yahoo.com

Receiving Date: 2020-07-01; Approval Date: 2020-12-24

**Justārḥā-ye
Fiqhī va Uṣūlī**

Vol.8, No.29
Winter 2023

107

Abstract

One of the certain rulings in Islamic *sharī'ah* is the proof of ‘*iddah* (waiting period) for a woman in various situations such as the death of her husband, divorce from her husband, and intercourse by mistake. For this Islamic ruling, many philosophies have been expressed, such as preventing mixing and mistaking lineage, honouring the right lineage, and the dignity of the woman. In

1. *Mortazavi – M; (2023); “An Investigation into the Ruling of ‘Iddah in Different Forms of Artificial Insemination from the Perspective of Imāmīyyah Jurisprudence “ ; Jostar _ Hay Fihi va Usuli; Vol: 8 ; No: 29 ; Page: 107-130 ; doi 10.22034/jrj.2021.58104.2089*

© 2022, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

most cases, the proven of *'iddah* for a woman depends on marital relationship and sexual intercourse. But today, with the advancement of science and technology in medical issues and the emergence of new reproductive methods through artificial insemination, and sperm and egg injection without any sexual intercourse, it is possible for a woman to become pregnant. Therefore, Islamic jurisprudence has faced the question that, is the *'iddah* proven for the woman in cases of artificial insemination or not. This research is looking for a jurisprudential well-reasoned answer about the ruling on the proof of *'iddah* of couples in different methods of artificial insemination, which after dealing with argumentative and *ijtihadī* issues and examining the views of jurists, it has been concluded that the “evacuation of semen” in the woman’s womb with new methods of artificial insemination is also proven the *'iddah* for the woman, and sexual intercourse are not relevant for the ruling to prove the *'iddah*. Consequently, in the case of sperm injection to a single woman or a married woman, it is proven the *'iddah* for artificial insemination, and this woman should avoid sexual pleasures as will be detailed later.

Keywords: *'Iddah*, Jurists Viewpoint, Artificial Insemination, the Woman, Couple.

بررسی حکم عده از زوج در صور مختلف تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه امامیه^۱

سید محسن مرتضوی 

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه قم- ایران؛
رایانامه: mohazerat@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴


بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

۱۰۹

چکیده

از احکام مسلم در شریعت اسلام ثبوت عده برای زن در حالات مختلفی از قبیل وفات شوهر، طلاق دادن شوهر و آمیزش اشتباهی است که برای این حکم اسلامی حکمت‌های متعددی مانند جلوگیری از اختلاط و اشتباه نسب، ارج نهادن به نسب صحیح و نیز کرامت زن بیان شده است. در اکثر موارد، ثبوت عده بر زن متفرع بر رابطه زناشویی و مقاربت است، ولی امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی در مباحث پزشکی و به وجود آمدن روش‌های نوین باروری از طریق تلقیح مصنوعی و با تزریق اسپرم و تخمک و بدون هیچ گونه مقاربت و نزدیکی، امکان بارداری زن فراهم شده است. بنابراین، فقه اسلامی با این سؤال مواجه شده که در موارد تلقیح مصنوعی نیز می‌توان حکم به ثبوت عده بر زن نمود یا خیر؟ این

۱. مرتضوی، سید محسن. (۱۴۰۱). «بررسی حکم عده از زوج در صور مختلف تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه امامیه». فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۸ (۲۹). ۱۰۷-۱۳۰؛

 <https://orcid.org/0000-0002-9340-4340>

پژوهش به دنبال پاسخ مستدل فقهی درباره حکم ثبوت عده از زوج در روشهای مختلف تلقیح مصنوعی است که پس از پرداختن به مباحث استدلالی و اجتهادی و بررسی دیدگاه فقیهان، به این نتیجه رسیده است که «افراغ منی» در رحم زن به روشهای جدید تلقیح مصنوعی نیز موجب ثبوت عده بر زن خواهد شد و مقاربت و نزدیکی برای حکم به ثبوت عده موضوعیت ندارد. از این رو در صورت تزریق اسپرم به زن مجرد یا زن شوهردار، برای تلقیح مصنوعی عده ثابت شده است و این زن به تفصیلی که خواهد آمد باید از استمتاعات جنسی اجتناب نماید.

کلیدواژه‌ها: عده، دیدگاه فقیهان، تلقیح مصنوعی، زن، زوج.

مقدمه

«عده» به کسر عین و فتح دال مشدد، از ریشه «عَدَد» گرفته شده است. اسم مصدر آن «اعتداد» و جمع آن «عَدَد» است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ق، ۱۴۲۹) و در لغت به معنای گروه، شمردن، مدت سوگ زن به مرگ شوهر و انتظار زن برای ازدواج مجدد آمده است (دهخدا ۱۳۷۳، ۱۳۰/۳۳) و در اصطلاح فقها عبارت از تریب‌یص (حالت انتظار) شرعی است که زن بعد از طلاق و زوال نکاح یا وفات لازم است مدتی درنگ کند و با کسی ازدواج نکند و سپس شوهر دیگری اختیار کند (خمینی ۱۴۱۵ق، ۲/۳۴۵). شهید ثانی می نویسد: «عده از دیدگاه شرعی زمان معینی است که در آن زمان زن باید به جهت اطمینان از برائت رحم از حمل یا به سبب مرگ شوهر صبر کند. عده به منظور صیانت نسبها و جلوگیری از آمیخته شدن آنها با یکدیگر تشریح شده است» (شهید ثانی ۱۴۱۳ق، ۲۱۳/۹). مطابق مقررات اسلامی و قوانین موضوعه پس از انحلال نکاح، بر زنی که رابطه زوجیتش منحل شده لازم است تا مدت معینی از ازدواج مجدد خودداری کند. این زمان انتظار در فقه و قانون با نام «عده» شناخته می شود و موضوع احکام و مقررات گوناگون قرار گرفته است. در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی نیز در تعریف عده آمده است: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۲۶۹). اموری که در اسلام موجب عده می شوند عبارت اند از: وفات و مرگ شوهر، اقسام مختلف طلاق، فسخ عقد

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۱۰

به واسطه عیب‌ها، انفساخ به مثل ارتداد یا اسلام و یا شیر دادن، آمیزش اشتباهی و نیز تمام شدن مدت یا بخشش آن در ازدواج موقت. بنابراین انواع اصلی عده در شریعت اسلامی عبارت‌اند از: عده طلاق، عده وفات، عده مرد مفقودالثر، عده آمیزش اشتباهی. در ادامه به موارد یادشده اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم:

عده طلاق: اگر زن عادت ماهیانه می‌بیند، بعد از آنکه در پاکی طلاقش داد، باید به مقداری صبر کند که دو بار حیض ببیند و پاک شود. هنگامی که حیض سوم را دید، عده او تمام است. مستند قرآنی این حکم، آیه ۲۲۸ سوره بقره است: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند. اگر زن عادت نمی‌بیند، ولی در سن زنانی است که عادت می‌بینند، باید بعد از طلاق سه ماه عده نگه دارد و اگر شوهر، زن باردار را طلاق دهد، عده او تا زمان به دنیا آمدن یا سقط شدن حمل او است. این حکم شرعی در آیه ۴ سوره طلاق بیان شده است: ﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ و زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند. عده ازدواج موقت بعد از تمام شدن مدت یا بخشش آن از طرف شوهر - چنانچه عادت ماهیانه می‌بیند، به مقدار دو حیض کامل است و اگر عادت نمی‌بیند، ۴۵ روز است.

عده وفات: زن باید بعد از فوت شوهرش چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت و یا شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه. حتی زن یائسه و صغیره نیز باید عده وفات نگه دارد و اگر باردار است، باید تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد. اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز فرزندش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز پس از مرگ شوهر عده را ادامه دهد.

عده مفقودالثر: اگر مردی گم شود و غیبت او به گونه‌ای باشد که نه خبری از او برسد و نه اثری از او ظاهر شود و مرده و زنده بودنش معلوم نباشد، باید با اجازه حاکم شرع طلاق بگیرد و عده وفات نگه دارد (خمینی، ۱۴۱۵ق، ۲/۳۴۰).

عده آمیزش اشتباهی (وطی به شبهه): اگر مرد غریبه‌ای با زنی به گمان اینکه عیال اوست نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست یا گمان کند شوهرش است، باید عده نگه دارد. مدت عده آمیزش اشتباهی مانند عده طلاق

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ۲/۳۴۱).

گرچه علت اصلی ثبوت عده در اسلام برای ما مشخص نیست، چون احکام الهی تعبدی هستند، ولی حکمت‌هایی برای آن بیان شده‌است که اشاره‌ای کوتاه به آن می‌کنیم:

- یکی از حکمت‌های آن جلوگیری از مخلوط شدن نطفه‌ها در رحم زن است. عده وسیله‌ای برای حفظ نسل و اطمینان از برائت رحم از حمل و جلوگیری از اختلاط انساب است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۳/۲۵).

- اگر زن بعد از مرگ شوهر فوراً ازدواج کند، این مطلب با محبت و دوستی و حفظ احترام شوهر سابق سازگار نیست. در عده وفات احترام به پیوند زناشویی و اظهار حزن و عزادار بودن از حکمت‌های تشریح عده است (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۲/۲۴۲).

- رعایت شأن و منزلت زن و حفظ شخصیت او در جامعه از جمله حکمت‌ها است. از آنجا که اسلام برای مقام زن ارزش و احترام ویژه‌ای قائل است، با احکامی نظیر حجاب، عده نگاه‌داشتن و... از احتمال سوءاستفاده و خدشه وارد کردن دیگران به حریم زن پیشگیری کرده‌است.

- یکی از حکمت‌های دیگر آن حفظ حیات جنین است. تشریح عده در صورت باردار بودن زن، وسیله‌ای برای حفظ حیات جنین است، زیرا اگر زن عده نگه ندارد و قبل از وضع حمل شوهر دیگری اختیار کند، شاید آن شوهر زن را وادار به سقط جنین کند یا بعد از تولد طفل موجبات قتل فرزند را فراهم سازد.

علاوه بر این‌ها ممکن است علل دیگری هم داشته باشد که بر ما روشن نیست، زیرا فلسفه واقعی احکام و نیز سبب تعدد دقیق این ایام که چرا چهار ماه و ده روز باشد و نه کمتر یا بیشتر، معلوم نیست و اگر قائل شدیم که خداوند حکیم است و کارهایی که انجام می‌دهد و احکامی که برای بندگانش مشخص می‌کند، همه از روی حکمت و بر مبنای عقل سلیم است، نباید در آن‌ها چون و چرا کنیم و باید با توجه به حکمت و علم و قدرت مطلق الهی، بسیاری از احکام الهی را تعبداً بپذیریم. ثبوت عده از این جهت حائز اهمیت است که موضوع احکام فقهی بسیاری قرار می‌گیرد، از جمله حرمت ازدواج با زنی است که در عده به سر می‌برد. اگر مرد با زنی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۱۲

که در عده است ازدواج کند، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود، یعنی ازدواج آن دو باطل می‌شود و هیچ‌گاه نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. همچنین خواستگاری زن در عده طلاق رجعی حرام است. زنا کردن با زنی که عده طلاق رجعی است، موجب حرمت ابدی آن دو به هم می‌شود.

حرمت آرایش کردن برای زنی که در عده وفات قرار دارد، از دیگر احکام عده است. نفقه زنی که در عده طلاق رجعی است برعهده شوهر است، اما در عده طلاق بائن، تنها اگر زن باردار باشد، مرد باید در دوره بارداری نفقه بدهد. در عده وفات، انجام دادن کاری که زینت محسوب می‌شود، مثل سرمه کشیدن و پوشیدن لباس‌های زینتی بر زن حرام است.

در همه اقسام عده در اسلام غیر از عده وفات، شرط ثبوت عده این است که آمیزش و نزدیکی صورت گرفته باشد (خمینی ۱۴۱۵ق، ۸۳۴/۲)؛ ولی امروزه با پیشرفت علم پزشکی و تحقق روش‌های نوین باروری و تولید مثل از طریق اهدای اسپرم و تخمک و رحم جایگزین و... فقه اسلامی با این سؤال اصلی مواجه شده است که آیا باروری از طریق لقاح مصنوعی - که در آن نزدیکی و مقاربت (که در نصوص و کتب فقهیه شرط ثبوت عده است) وجود ندارد - نیز مشمول ادله ثبوت عده می‌گردد یا خیر؟ بنابراین موضوع اصلی این مقاله درباره ثبوت عده در روش‌های مختلف و متعدد تلقیح مصنوعی است که بحث جدیدی در حوزه مسائل مستحدثه فقهی شمرده می‌شود و نیازمند بحث استدلالی و اجتهادی همه‌جانبه‌ای است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی است که آیا در موارد تلقیح مصنوعی که دخول و مقاربت وجود ندارد نیز موجب ثبوت حکم عده بر زن خواهد شد یا خیر؟ آیا اگر زن شوهردار مورد لقاح مصنوعی شخص اجنبی قرار بگیرد، باید از همسرش عده نگه دارد؟ اگر اسپرم شوهر در رحم خواهرزن یا مادرزن تزریق شود عده بر چه کسانی ثابت خواهد شد؟ اگر زن مجرد از طریق لقاح مصنوعی اقدام به باروری کند، حکم عده نگه داشتن او چگونه است و حق ازدواج با دیگری را دارد یا خیر؟ اگر زنی در حال عده باشد و مورد لقاح مصنوعی قرار گیرد، آیا بر او عده جدیدی واجب خواهد شد یا خیر؟

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

۱۱۳

پیشینه موضوع: درباره پیشینه این موضوع در فقه امامیه می توان گفت، چون این موضوع از موضوعات جدید و نوپدید در حوزه مباحث پزشکی است، از این رو در منابع فقهی بحثی از ثبوت عده در موارد تلقیح مصنوعی مطرح نشده است و فقط در سال های اخیر استفتائات و سؤالاتی محدود و انگشت شماری در این زمینه از مراجع تقلید شده است و مباحث استدلالی و اجتهادی آن دست نخورده باقی مانده است. در سال های اخیر تقریرات دروس خارج فقه سید محمدرضا سیستانی در نجف اشرف در کتابی با عنوان وسائل الانجاب الصناعیه به چاپ رسیده است که در این کتاب مباحثی پیرامون ثبوت عده در موارد لقاح مصنوعی بیان شده است. در مقالات هم تاکنون مقاله ای در این باره به چاپ نرسیده است. بنابراین این موضوع از مسائل مستحدثه و جدیدی است که نیازمند بررسی استدلالی همه جانبه پیرامون آن است تا مشخص شود که زن باید در موارد انجام تلقیح مصنوعی عده نگه دارد، همان طور که در مقاربت و نزدیکی عده نگه می داشت یا باید بین صورت های مختلف تفصیل داد.

زنی که با او عملیات تلقیح مصنوعی انجام شده است یا شوهردار است یا مجرد و یا معتدّه و در زمان عده است که در ادامه حکم هر صورت جداگانه بررسی می شود.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹
زمستان ۱۴۰۱
۱۱۴

۱. صورت اول: بررسی حکم عده زن شوهردار

این صورت که زن شوهردار (متزوجه) مورد تلقیح مصنوعی واقع می شود، خود فرض های متعددی دارد که باید حکم هر یک را جداگانه بررسی کرد:

۱.۱. تزریق اسپرم شوهر

اسپرم شوهر در رحم همسرش به روش تلقیح مصنوعی قرار داده شده است، ولی نطفه و جنین منعقد نشده است و عملیات تلقیح مصنوعی نتیجه نداده است و دخول و نزدیکی نیز صورت نگرفته است. در این صورت اگر زن از شوهرش طلاق بگیرد باید عده نگه دارد یا خیر؟ آیا تلقیح مصنوعی بدون انعقاد نطفه و جنین موجب اعتداد و ثبوت عده می شود یا نه؟

دو احتمال در مسئله وجود دارد:

- احتمال اول این است که عده نگه داشتن در این صورت لازم نیست، زیرا در روایات و نصوص آمده است که طلاق در صورتی موجب اعتداد می شود که دخول و نزدیکی محقق شده باشد. در این صورت فقط افرام منی صورت گرفته ولی دخول محقق نشده است.

مثل روایت ابی بصیر که امام صادق ع فرمود زمانی که مرد زنش را قبل از دخول طلاق بدهد، زن از او جدا می شود و اگر بخواهد از همان ساعت می تواند با دیگران ازدواج کند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا تَطْلِيقًا وَاحِدَةً فَقَدْ بَاتَتْ مِنْهُ وَتَزَوَّجُ مِنْ سَاعَتِهَا إِنْ شَاءَتْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۶/۲۲).
از میان فقهای معاصر سید محمود هاشمی شاهرودی و جعفر سبحانی (سبحانی، ۱ شهریور ۱۴۰۱) به این احتمال تصریح کرده اند.

- احتمال دوم این است که در این صورت، عده بر زن واجب باشد، چون در مقابل روایات دیگری داریم که مفاد آنها این است که قرار گرفتن منی در رحم و مجرد افرام منی موجب اعتداد می شود و خود دخول منی مرد موضوع ثبوت عده است، چه دخول محقق بشود یا نه؛ مانند صحیحۀ محمد بن مسلم «العدة من الماء» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۵/۲۲) و صحیحۀ عبدالله بن سنان «إنما العدة من الماء» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۹/۲۱) و موثقة اسحاق بن عمار «ان أخرج الماء اعتدت» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱۰/۶). این روایات دلالت بر این دارند که موضوع و سبب ثبوت عده، دخول منی مرد است و دخول و نزدیکی خصوصیت ندارد.

سید ابوالقاسم خوبی در این باره می گوید: «إذا كانت المرأة المذكورة طلقت بعد التلقيح المزبور فإنه عليها العدة من ناحية التلقيح الصناعي» (خوبی، ۱۴۲۷، ۳۹۶/۲)؛ اگر زن بعد از عملیات تلقیح مصنوعی طلاق بگیرد باید به خاطر تلقیح عده نگه دارد.

برای تمامیت استدلال به این روایات باید دو امر ثابت شود:

- امر اول اینکه نفس افرام منی و اسپرم موضوع وجوب عده باشد و عنوان «افراغ الماء» کنایه از تحقق وطی و دخول نیست. در این باره می توان گفت که عنوان مأخوذ در روایات، عنوان ورود و افرام منی است و ظاهر عرفی هر عنوان در

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

موضوعیت داشتن است و حمل آن بر طریقت و کنایه بودن، خلاف ظاهر و اصل اولیه در خطابات عرفیه است (شوپایی جویباری، ۱۳۹۲، جلسه ۳۸).

- امر دوم اینکه تنافی بین این دو طائفه از روایات حل شود. دسته اول می گوید که با دخول و مقاربت عده ثابت می شود و دسته دوم می گوید که «افراغ الماء» موضوع ثبوت عده است، گرچه دخول محقق نشود، برای رفع تنافی و تعارض میان این دو دسته از روایات می توان گفت که نسبت این دو دسته از روایات عموم و خصوص من وجه است.

دسته اول می گوید اگر دخول صورت نگرفته باشد عده ثابت نیست، چه افراغ منی شده باشد یا نه.

دسته دوم می گوید اگر افراغ منی شده باشد، عده ثابت می شود، چه دخول شده باشد یا نه، و محل تنافی و ماده اجتماع در صورتی است که افراغ منی شده باشد ولی دخول صورت نگرفته باشد که این از موارد تلقیح مصنوعی است. در این صورت دسته اول می گوید عده ثابت نیست و دسته دوم می گوید: عده دارد.

برای رفع این تنافی می توان گفت که اینجا از قبیل تعدد شرط و اتحاد جزاء است که متفاهم عرفی در این موارد جمع به «أو»ی عاطفه است، یعنی هرکدام از شرطها علت تامه غیرانحصاری هستند و اگر دخول صورت بگیرد، عده ثابت می شود. همچنین اگر افراغ منی صورت پذیرد، عده ثابت می شود. نتیجه بحث این است که عده به دو صورت ثابت می شود: یا دخول و نزدیکی و یا افراغ منی در رحم زن (سیستانی ۲۰۰۴م، ۳۸۳)، و در محل بحث چون تلقیح مصنوعی صورت گرفته است و اسپرم مرد داخل رحم زن تزریق شده است، بنابراین عده بر زن مطلقه واجب می شود (سند بحرانی، ۱۴۳۱ق، ۷۶)، همان طور که این حکم با حکمت لزوم عده بر زن - که عدم اختلاط میاه و اشتباه نسب است - سازگاری دارد، زیرا فقها تصریح کرده اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ۳۳۸/۷ و عاملی، ۱۴۱۹ق، ۹/۱۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۴۵) و روایات متعددی بر آن دلالت دارند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۴۵/۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۷۹/۲۳) که یکی از حکمت های لزوم عده بر زن دوری از اختلاط میاه و اشتباه نسب است و در صورت تلقیح مصنوعی و تزریق اسپرم نیز این احتمال وجود دارد، از این رو عده بر زن لازم می شود.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹
زمستان ۱۴۰۱

۱۱۶

سید محمد محقق داماد به مناسبتی در کتاب الصلاة درباره موضوع بحث می گوید:

«وهذا نظير جعل العدة وتشريعها لحكمة انحفاظ الرحم عن اختلاط المياه، فيحكم حينئذ بحرمة التلقيح الموجب له وإن لم يكن على المجري العادي، إذ المدار ذاك الغرض، لا الجري العادي؛ حكمت جعل و تشريع عده بر زن به خاطر حفظ رحم او از اختلاط ميايه است لذا بدین جهت حکم بر حرمت تلقیح می شود چون تلقیح موجب اختلاط ميايه می شود» (محقق داماد، ۱۴۱۶ق، ۲/۹۴).

از فقهای معاصر، محمدتقی بهجت (بهجت، ۱۴۲۸ق، ۴/۲۴۴) و حسین مظاهری (مظاهری، ۱ شهریور ۱۴۰۱) به آن تصریح کرده اند.

۱.۲. تزریق اسپرم شوهر و باردار شدن او

زن شوهردار از طریق تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر خود بدون مقاربت و نزدیکی باردار شده است. حال اگر این زن از شوهر خود طلاق بگیرد، آیا باید عده نگه دارد یا خیر؟

در این فرض روایات متعددی بر ثبوت عده بر زن حامله دلالت می کند که عده زن حامله، وضع حمل است و این زن نیز گرچه با شوهر خود مقاربت و نزدیکی نکرده و دخول محقق نشده است، ولی چون از طریق اهدای اسپرم او باردار شده است و به مقتضای قواعد و روایات زن حامله، تا وضع حمل خود باید عده نگه دارد و حق ازدواج با دیگری ندارد.

همانند صحیحۀ زرارۀ از امام باقر علیه السلام که مورد این روایت زن حامله است و اطلاق بر این دارد که زن حامله باید تا زمان وضع حمل عده نگه دارد و شامل محل بحث ما که از طریق تلقیح مصنوعی حامله شده است نیز می شود: «قَالَ طَلَّاقُ الْحَامِلِ وَاحِدَةٌ فَإِذَا وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۲/۱۴۶).

سید علی طباطبایی در ریاض می گوید: «عده زن حامله که از شوهرش باردار شده و طلاق گرفته است به وضع حمل او می باشد. بر این حکم، سنت مستفیضه بلکه متواتره و اجماع و شهرت بین فقها دلالت دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ۱۲/۳۰۲). از

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

فقهای معاصر ناصر مکارم شیرازی هم در این صورت در جواب استفتایی می گوید: «این زن تا پایان زمان حمل باید عده نگه دارد» (مکارم شیرازی، ۱ شهریور ۱۴۰۱). همچنین جواد تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ۲۸۳/۹)، حسین مظاهری (مظاهری، ۱ شهریور ۱۴۰۱) و جعفر سبحانی (سبحانی، ۱ شهریور ۱۴۰۱) به این فتوا تصریح نموده‌اند.

۱.۳. تزریق اسپرم اجنبی

اگر اسپرم غیر شوهر و شخص اجنبی به روش تلقیح مصنوعی در رحم زن شوهردار قرار داده شود، آیا این زن باید نسبت به شوهر خود عده نگه دارد؟ «اعتداد» در لغت به معنای تربص و تربیت و انتظار و کناره گیری است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۹۷/۵؛ فیومی، ۳۹۶/۲) که زن باید مدتی انتظار بکشد و صبر کند و با مردان ارتباط زناشویی نداشته باشد که این معنا نسبت به افراد بیگانه و همسر متفاوت است. عده نگه داشتن نسبت به افراد بیگانه این است که در زمان عده با آن‌ها ازدواج نکند، اما عده نگه داشتن نسبت به شوهر این است که استمتاع و نزدیکی شوهر از او در ایام عده جایز نباشد. حال این زن شوهردار که مورد تلقیح مصنوعی قرار گرفته است آیا باید از شوهر خود در این مدت اجتناب نماید یا خیر؟

اگر با افراغ منی و تلقیح مصنوعی اسپرم اجنبی در رحم زن عنوان زنا محقق می‌شود، می‌گفتیم که عده بر این زن واجب نیست، به خاطر قاعده (لا حرمة لماء الزانی) نطفه زانی احترام ندارد و عده نگه داشتن از او واجب نیست. بنابراین می‌توان با زن زانی قبل از عده نگه داشتن ازدواج کرد (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۳۰۱/۳؛ یزدی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۵/۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۰۳/۲۴)، ولی در مباحث تلقیح مصنوعی محقق شده که بر اهدای اسپرم اجنبی عنوان زنا محقق نیست (سیستانی، ۲۰۰۴م، ۴۱۶؛ مرتضوی، ۱۳۹۸، ۲۱۸) و قوام تحقق زنا به مقاربت و نزدیکی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۸/۴۱). مسئله مورد بحث شبیه باب «وطی به شبهه» می‌شود که در آنجا فقها فتوا داده‌اند اگر زن شوهرداری مورد وطی به شبهه واقع شد، باید از شوهر خود عده نگه دارد و از او اجتناب کند. سید محمد کاظم یزدی در این باره می‌گوید: «عده برای وطی به شبهه واجب می‌شود، چه زن شوهردار باشد و چه مجرد، و عده آن عده طلاق است (یزدی، ۱۴۱۴ق،

۱۰۵/۱؛ پس شوهر باید از او اجتناب کند و زن شوهردار از او عده نگه دارد. او در ادامه این بحث را مطرح می‌کند که آیا شوهر باید در دوران عده فقط از نزدیکی و مقاربت با او اجتناب کند یا از کلیه استمتاعات؟ او در مسئله چهارم این‌گونه بیان کرده است: «دو قول وجود دارد: وجه اینکه مراد از عده اجتناب از خصوص نزدیکی و مقاربت باشد این است که زن با وطی بالشبهه از زوجیت خارج نشده است و غرض از اعتداد، عدم اختلاط میاه و اشتباه نسب است که با ترک نزدیکی و مقاربت این غرض حاصل می‌شود، لذا اقوا این است که فقط از خصوص مقاربت اجتناب کند، ولی بقیه استمتاعات بر او جایز است. ولی در مقابل گفته شده که مراد از عده نگه داشتن زن اجتناب از او به نحو مطلق است، لذا باید از استمتاعات هم اجتناب نماید که این قول مطابق احتیاط است» (همان).

منشأ اختلاف در این دو قول به اختلاف در روایات برمی‌گردد، زیرا دو طائفه از روایات در این زمینه وجود دارد:

- دسته اول روایاتی است که از آن‌ها استفاده می‌شود وجوب عده در وطی به شبهه به خاطر استبراء رحم است، در نتیجه باید از وطی و مقاربت اجتناب شود.

همانند روایت امام باقر علیه السلام که از ایشان درباره زنی پرسیده شد که به او خبر مردن همسرش رسیده و او پس از پایان عده با مردی دیگر ازدواج کرده است. شوهر نخست او پس از مدتی پیدا می‌شود و از او جدا می‌گردد. این زن چه مقدار باید عده نگه دارد؟ امام علیه السلام فرمود: سه قرء (پاکی)، چه اینکه با آن می‌توان از باردار نبودن و پاک بودن رحمش آگاه شد و آنگاه ازدواج با دیگران بر او حلال است: «سَأَلَتْهُ عَنِ امْرَأَةٍ نُبِعِي إِلَيْهَا زَوْجَهَا فَأَعْتَدَتْ وَتَزَوَّجَتْ فَبَجَاءَ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ فَفَارَقَهَا الْأَخْرَجُ كَمْ تَعْتَدُ لِلشَّانِي قَالَ: ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ إِنَّمَا يُسْتَبْرَأُ رَحْمَتُهَا بِثَلَاثَةِ قُرُوءٍ وَ تَحِلُّ لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق). سید ابوالقاسم خوبی می‌گوید: از روایت استفاده می‌شود که غرض اصلی از اعتداد، استبراء رحم است و استبراء رحم با اجتناب از وطی حاصل می‌شود، نه با خودداری از سایر استمتاعاتی همچون نظر نمودن و تقبیل (خوبی، ۱۴۱۸ق، ۲۰۷/۳۲).

- دسته دوم روایاتی است که از آن‌ها استفاده می‌شود در زمان عده، مطلق استمتاعات ممنوع است و باید به طور کلی از زن اجتناب کرد، همانند صحیحۀ

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

محمد بن مسلم: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلَيْنِ شَهِدَا عَلَى رَجُلٍ غَائِبٍ عِنْدَ امْرَأَتِهِ أَنَّهُ طَلَّقَهَا فَأَعْتَدَتْ الْمَرْأَةُ وَتَزَوَّجَتْ ثُمَّ إِنَّ الزَّوْجَ الْغَائِبَ قَدِمَ فَرَزَعَهُ أَنَّ لَمْ يَطْلُقْهَا فَأَكْذَبَ نَفْسَهُ أَحَدُ الشَّاهِدَيْنِ فَقَالَ لَا سَبِيلَ لِلْأَخِيرِ عَلَيْهَا وَيُؤْخَذُ الصَّدَاقُ مِنَ الَّذِي شَهِدَ فَيُرَدُّ عَلَى الْأَخِيرِ وَالْأَوَّلُ أَمْلَكَ بِهَا وَتَعْتَدُ مِنَ الْأَخِيرِ وَلَا يَقْرِبُهَا الْأَوَّلُ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا؛ به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتیم: دو نفر شاهد نزد زنی می آیند و شهادت می دهند که شوهرت تو را طلاق داده است و آن زن عده نگه می دارد و ازدواج می کند. بعد شوهر او از سفر می آید و ادعا می کند که او را طلاق نداده است و یکی از دو شاهد نیز اعتراف می کند که در شهادت خود دروغ گفته است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شوهر دوم حقی نسبت به زن ندارد و از شاهد دروغ گو مبلغ صدق دریافتی را می گیرند و به او می دهند و شوهر اول احق و اولی است که زن را به خانه خود ببرد، لذا زن باید عده نگه دارد و شوهر اول حق ندارد به او نزدیک شود تا عده او به سر آید» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۲/۲۵۲). ظاهر روایت «لایقربها» نهی از مقاربت با زن است یعنی هیچ گونه استمتاعی از زن نبرد و کاملاً از او دور باشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۳۲/۶۰).

سید موسی شبیری زنجانی می گوید: با توجه به حکمتی که برای حکم به عده بیان شده است که جلوگیری از اختلاط میاه و اشتباه انساب است، به نظر نمی رسد لفظ «ایقربها» ظهور در جمیع تمتعات داشته باشد و در آیه شریفه قرآن هم که می گوید «وَلَا تَقْرُبُوهِنَّ» (البقره/۲۲۲) کنایه از عدم نزدیکی و مقاربت است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۲/۶۷۷).

روایت دوم معتبره ابی بصیر است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي شَاهِدَيْنِ شَهِدَا عَلَى امْرَأَةٍ بَانَ زَوْجُهَا طَلَّقَهَا أَوْ مَاتَ عَنْهَا فَتَزَوَّجَتْ ثُمَّ جَاءَ زَوْجُهَا قَالَ يُضْرَبَانِ الْحَدَّ وَيُضَمَّانِ الصَّدَاقَ لِلزَّوْجِ بِمَا غَرَّاهُ ثُمَّ تَعْتَدُ وَتَرْجِعُ إِلَى زَوْجِهَا الْأَوَّلِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۲/۲۵۳). ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که حضرت درباره زنی که دو شاهد نزد او گواهی دادند که شوهرش مرده است و آن زن با مردی دیگر ازدواج کرد سپس شوهر نخست او پیدا شد، فرمود: آن زن در برابر بهره زناشویی که شوهر دوم از او برده است مهر خویش را طلبکار می شود، آن دو شاهد فریب کار حد می خورند و ضامن مهر زن از سوی شوهر دوم خواهند بود، چرا که او را فریفته اند. آن نیز پس از

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۲۰

گذراندن عده، نزد شوهر خویش باز می‌گردد.

اینکه در روایت آمده است بعد از انقضای عده زن باید به شوهر خود برگردد (و ترجع الی زوجها) یعنی در زمان عده باید از هم دور باشند و از کلیه استمتاعات اجتناب نمایند.

ولی می‌توان گفت عنوان «ترجع» هم کنایه از وطی و مقاربت است، زیرا «رجوع» یعنی بازگشت به زندگی زناشویی و ادامه ارتباط زناشویی که عادتاً این رجوع با مقاربت و نزدیکی محقق می‌شود.

همان‌طور که با بررسی در استعمالات عرب و روایات، می‌توان درباره عنوان «لا تقربوا» ادعا کرد که کنایه از وطی و مقاربت است (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۲/۶۸۰). مفاد دسته دوم از روایات هم اجتناب از مقاربت و نزدیکی است، نه مطلق استمتاعات جنسی. پس تا به اینجا به این نتیجه رسیدیم که در وطی به شبهه، زن باید از شوهر خود عده نگه دارد و عده نگه داشتن هم به معنای اجتناب و دوری از نزدیکی و مقاربت است (سیستانی، ۲۰۰۴م، ۳۹۱).

حال در موضوع بحث که تلقیح صناعی است حکم چگونه است؟ اشکال شده است که تلقیح مصنوعی ربطی به بحث وطی به شبهه ندارد، زیرا در تلقیح مصنوعی مقاربت و نزدیکی وجود ندارد. ولی می‌توان جواب داد که نفس افرام منی را به عنوان مستقل - به دلیل اطلاقات «إنما العدة من الماء» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۱/۳۱۹) که در مجرد افرام منی اعتداد ثابت است - موجب ثبوت عده دانستیم، و نیز تلقیح منی مرد اجنبی می‌تواند از وجه حلال به صورت اشتباه و یا از وجه حرام به صورت عمدی صورت پذیرد. از این رو در هر دو مورد اطلاق «إنما العدة من الماء» عده را اثبات می‌کند و تنها مانعی که می‌توان برای ثبوت عده تصور کرد، ادله‌ای است که می‌گوید ماء زانی احترام ندارد و عده ندارد و آن ادله هم که گفته شد شامل تلقیح مصنوعی نمی‌شود، زیرا تلقیح مصنوعی زنا نیست. بنابراین به مقتضای اطلاقات و عدم وجود مانع، عده ثابت می‌شود و بعد از ثبوت عده حکم عده آن همان حکم عده وطی به شبهه است و احتمال فرق در آن داده نمی‌شود (شوپایی جویباری، ۱۳۹۲، جلسه ۴۵). پس نتیجه این شد که در صورت تزریق اسپرم اجنبی به زن شوهردار، این زن

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

۱۲۱

باید از شوهر خودش عده نگه دارد که در صورت بچه‌دار شدن از راه تلقیح مصنوعی عده او به وضع حمل او است و در غیر آن صورت، عده او همان عده طلاق است و باید به مقدار سه طهر از مقاربت و نزدیکی با شوهرش اجتناب کند.

۱.۴. تزریق اسپرم اجنبی و طلاق دادن شوهر

موردی که تلقیح نسبت به زن شوهردار انجام شود و اسپرم مرد بیگانه در رحم او قرار گرفته است و بعد شوهر او هم او را طلاق داده است، حکم عده نگه داشتن این زن که از شخص اجنبی باردار شده است چیست؟ آیا عده این زن وضع حمل است یا عده طلاق که سه طهر است را باید نگه دارد؟

این فرع در بحث وطی به شبهه در کلمات فقها بیان شده است. در آنجا فقها گفته‌اند که عده این زن با وضع حمل تمام نمی‌شود، بلکه عده طلاق ادامه دارد، یعنی اگر وضع حمل زودتر از عده طلاق انجام شود، عده این زن تا پایان سه طهر ادامه دارد (یزدی، ۱۴۱۴، ۱۰۸/۱؛ خویی ۱۴۱۸، ۲۰۴/۳۲).

و نیز ادله‌ای که می‌گوید عده زن حامله به وضع حمل او است، مثل آیه مبارکه ﴿وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ (الطلاق/۴) که ناظر به جایی است که حمل از خود شوهر طلاق‌دهنده باشد. در این موارد عده مطلقه به وضع حمل است، ولی در جایی که حمل زن به خاطر وطی به شبهه بوده است را شامل نمی‌شود. در نتیجه اطلاقات ثبوت عده زن مطلقه به سه طهر یا سه ماه، شامل این مورد می‌شود و باید عده طلاق را نگه دارد و در مورد بحث که تلقیح مصنوعی است هم با الحاق به بحث وطی به شبهه می‌گوییم که این زن باید عده طلاق را نگه دارد (سیستانی، ۲۰۰۴، ۴۰۴).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۲۲

۲. صورت دوم: زن غیر متزوجه و مجرد

اگر زن خلیه (مجرد) با اسپرم مرد بیگانه تلقیح شود و اسپرم اجنبی به رحم او تزریق بشود، آیا بر این زن عده واجب می‌شود و ازدواج کردن این زن بعد از انقضای عده خواهد بود یا خیر؟

نظیر این فرع را فقها در بحث وطی به شبهه مطرح کرده‌اند که اگر زن بی شوهر مورد وطی به شبهه قرار گیرد باید عده نگه دارد یا نه؟ سید محمدکاظم یزدی در مسئله پنجم تکملة العروة می‌گوید: اگر زن مجرد مورد وطی به شبهه قرار بگیرد، نسبت به شخص وطی کننده عده لازم نیست و می‌تواند قبل از انقضای عده با او ازدواج کند، اما نسبت به دیگران، از شهید در مسالک نقل شده است که ازدواج با دیگران جایز است، گرچه مقاربت و نزدیکی با او تا پایان زمان عده جایز نیست، ولی اقوی این است که ازدواج با دیگری تا پایان عده جایز نیست، زیرا اصل عدم تأثیر عقد است و اطلاق روایات می‌گوید نکاح در زمان عده جایز نیست (یزدی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۶/۱).

پس اکثر فقها گفته‌اند این زن تا پایان زمان انقضای عده حق ازدواج با دیگران ندارد، به این بیان که اگر تلقیح مؤثر باشد و تبدیل به جنین شود، انقضای عده او به وضع حمل است و اگر تلقیح نتیجه ندهد، عده او همان عده طلاق خواهد بود و در این مدت حق ازدواج با دیگران ندارد (خمینی، ۱۴۱۵ق، ۳۴۵/۲؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ۳۰۲/۲).

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

۱۳۳

صاحب جواهر گفته است که عده نگه داشتن این زن نسبت به دیگران مبتنی بر این است که اگر قائل به حرمت همه استمتاعات شوهر از زن در زمان عده شدیم، اینجا ازدواج با دیگری باطل است، زیرا اثری بر آن مترتب نیست، ولی اگر قائل به حرمت مطلق استمتاعات نشدیم، اینجا بر عقد نکاح اثر مترتب می‌شود و ازدواج با دیگری در زمان عده صحیح است و اثر آن جواز سایر استمتاعات خواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۳۶/۲۹).

ولی به نظر می‌رسد حق در مسئله محل بحث این است که به خاطر اطلاقات ((العدة من الماء)) اینجا بر زنی که مورد تلقیح مصنوعی قرار گرفته است، عده واجب می‌شود و اطلاقات حرمت ازدواج در زمان عده، همانند آیه شریفه ﴿وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ﴾ (البقره/۲۳۵) و روایات معتبر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴۲۷/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۰/۲) شامل حال او می‌شود و در نتیجه ازدواج با دیگران در زمان عده صحیح نخواهد بود (سیستانی، ۲۰۰۴م، ۴۰۳).

۳. صورت سوم: زن در حال عده باشد و تلقیح مصنوعی صورت بگیرد

یعنی زنی در حال گذراندن عده طلاق یا وفات است و در این زمان لقاح مصنوعی صورت می‌پذیرد. خود این صورت دو فرض دارد: فرض اول این است که در زمان عده اسپرم همسرش به او تزریق شود؛ فرض دوم این است که اسپرم غیر شوهرش و اسپرم مرد اجنبی به او تزریق شود.

حال آیا به جهت عملیات تلقیح مصنوعی و تزریق اسپرم، عده جدیدی برای این زن حادث می‌شود و در صورت حدوث عده جدید، آیا با عده طلاق و وفات تداخل می‌کند یا خیر؟

دلیل بر ثبوت عده جدید بر این زن، اطلاقات «إِنَّمَا الْعِدَّةُ مِنَ الْمَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶۰۲/۱۱) است که اقتضا می‌کند این زن در حال عده که مورد تلقیح مصنوعی واقع شده است باید به خاطر تلقیح و ورود ماء و اسپرم عده جدید نگه دارد که اگر منی غیر زوج و اسپرم اجنبی به او تزریق شود، عده قبلی اش به خاطر شوهرش بوده است که عده طلاق یا وفات بوده و عده جدید به خاطر ورود اسپرم و منی شخص بیگانه است که سبب جدید در حدوث عده است.

اگر منی و اسپرم شوهرش در زمان عده به او تزریق شود، تقریب ثبوت عده این است که تلقیح و افراغ منی موجب و سبب مستقل برای اعتداد است و در اینجا گرچه زن از ناحیه شوهرش به جهت طلاق یا وفات در عده است، ولی چون هر یک سببیت مستقل دارند، از این رو به خاطر دخول منی و اسپرم شوهرش، عده جدیدی برای او حادث می‌شود و وجهی برای سقوط عده نیست (شوپایی جویباری، ۱۳۹۲، جلسه ۴۳)، همانند زن مطلقه‌ای که در زمان عده طلاق مورد وطی به شبهه قرار بگیرد که فقها تصریح کرده‌اند دو عده برای او ثابت می‌شود (شهیدثانی ۱۴۱۳ق، ۳۳۹/۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۵۵۱/۲۵). پس اصل ثبوت عده بر این زن محل اشکال نیست.

پرسش بعدی این است که آیا این عده جدید، می‌تواند عده قبلی را تغییر دهد یا خیر؟ اینکه عده جدید بخواهد عده قبلی زن را تغییر بدهد و منقلب کند، دلیلی ندارد، زیرا سبب قبلی تأثیر خود را گذاشته است و سبب جدید نمی‌تواند آن را بردارد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۲۴

اما آیا می‌شود این دو عده با هم تداخل کنند یا نه؟ بلکه عده جدید بعد از انقضای زمان عده اول شروع می‌شود؟

این فرع را فقها در باب عده مطرح کرده‌اند که اصل تداخل دو عده است یا عدم تداخل آن؟ (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۶۱۵/۴). البته این بحث در صورتی است که تلقیح مصنوعی موجب حامله شدن نشود، زیرا اگر موجب حامله شدن شده باشد که عده آن به وضع حمل است. حال اگر تلقیح موجب بارداری شدن زن نشود، عده تلقیح از چه زمانی شروع می‌شود، یعنی بعد از انقضای زمان عده اول؟ یا که با آن تداخل می‌کند؟

همان‌طور که سید محمدکاظم یزدی اشاره کرده است مقتضای اطلاق دلیل عده به خاطر وطی به شبهه که شامل بحث تلقیح مصنوعی هم می‌شود، این است که از همان زمان باید عده نگه دارد و دو عده در هم تداخل می‌کنند (یزدی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۰/۱) و اینکه زمان عده دوم بعد از انقضای زمان عده اول شروع شود دلیل ندارد، زیرا دخول منی سبب طبیعی اعتداد است، نه اینکه سبب مقید باشد به اینکه زمان عده، زمان اختصاصی آن باشد و با عده دیگری تداخل نکند. بنابراین اگر در اثنای عده دیگری نیز زمان عده جدید را شروع کند، طبیعی اعتداد صادق خواهد بود (خویی، ۱۴۱۸ق، ۲۰۰/۳۲).

روایات متعددی هم به این مضمون بر تداخل دو عده دلالت دارند «و تعدد عده واحده منهما جمیعاً» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۴۷۰/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۴/۲۰) که مشهور فقها نیز به این روایات عمل کرده‌اند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ۱۳۹/۱۴؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ۳۹/۶). سید محمدکاظم یزدی هم در مسئله یازدهم تکملة منهاج به آن‌ها اشاره کرده است (یزدی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۱/۱).

بنابراین در محل بحث قائل به تداخل دو عده می‌شویم و در نتیجه زمان عده تلقیح مصنوعی از همان زمان حدوثش و در اثنای عده قبلی شروع خواهد شد (سیستانی، ۲۰۰۴م، ۴۰۶).

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

نتایج و یافته‌ها

۱. همان‌طور که مقاربت و نزدیکی موجب ثبوت عده در اسلام است، لقاح مصنوعی و اِفراف منی نیز موجب ثبوت عده بر زن خواهد شد.
۲. اگر اسپرم شوهر به همسر تزریق شود و موجب بارداری نشود و سپس شوهر طلاق بگیرد، این زن باید عده طلاق نگه دارد و اگر به موجب تلقیح مصنوعی زن باردار شود، عده زن باردار برای او ثابت می‌شود که زمان انقضای عده هم‌زمان با وضع حمل او است.
۳. اگر اسپرم شخص اجنبی به زن شوهردار تزریق شود و باردار شود، این زن باید نسبت به شوهرش عده نگه دارد و شوهرش حق مقاربت با او تا پایان وضع حمل نخواهد داشت.
۴. اگر زن مجرد مورد تلقیح مصنوعی قرار گیرد، این زن باید عده نگه دارد و دیگران تا پایان زمان عده حق ازدواج کردن با او را ندارند.
۵. اگر زنی در حال عده باشد و مورد تلقیح مصنوعی قرار بگیرد، برای او عده دوم ثابت خواهد شد و زمان شروع عده دوم از اثنای همان عده قبلی شروع خواهد شد.
۶. اگر اسپرم مرد به خواهرزن یا مادر همسرش به روش تلقیح مصنوعی تزریق شود، علاوه بر اینکه آن‌ها باید عده نگه دارند، همسر خود او هم باید تا پایان زمان عده آن‌ها از مرد عده نگه دارد و با او مقاربت نکند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹

زمستان ۱۴۰۱

۱۲۶

منابع

• قرآن کریم

۱. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناظرة**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۲. بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۸ق). **استفتانات**. قم: دفتر معظم له.
۳. تبریزی، جواد؛ خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۲۷ق). **صراط النجاة**. قم: دار الصديقة الشهيدة ع.
۴. جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ق). **الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت ع**. بیروت: دار الثقلین.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: دار التفسیر.
۷. خمینی، سید روح الله. (۱۴۱۵ق). تحریر الوسيلة. قم: دار العلم.
۸. خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک. قم: اسماعیلیان.
۹. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. چاپ بیست وهشتم. قم: مدینه العلم.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). الموسوعة الامام الخوئی. قم: موسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی. حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. سوریه: دار العلم.
۱۳. روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب.
۱۴. زبیدی، محب الدین. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دار الفکر.
۱۵. سبحانی، جعفر. استفتائات. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سبحانی، بازیابی شده در ۱ شهریور ۱۴۰۱، از:

<http://www.tohid.ir/fa/index/stefat?sName=%D8%B9%D8%AF%D9%87>.

بررسی حکم
عده از زوج در صور
مختلف تلقیح مصنوعی
از دیدگاه فقه امامیه

۱۲۷

۱۶. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام. چاپ چهارم. قم: المنار.
۱۷. سند البحرانی، محمد. (۱۴۲۹ق). سند العروة الوثقی کتاب النکاح. قم: مکتبه فذک.
۱۸. سند البحرانی، محمد. (۱۴۳۱ق). فقه الطب. قم: مکتبه فذک.
۱۹. سیستانی، سید محمد رضا. (۱۴۲۸ق). وسائل الانجاب الصناعیه. بیروت: دار المورخ العربی.
۲۰. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح. قم: رأی پرداز.
۲۱. شوپایی جویباری، حسین. (۱۳۹۵). تقریرات درس خارج فقه تلقیح مصنوعی. قم: مخطوط.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۲۴. طباطبایی، سید علی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلامی.
۲۶. عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.

۲۷. فاضل هندی، محمدبن حسن. (۱۴۱۶ق). **كشف اللثام والابهام عن قواعد الاحكام**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۲۸. فیض كاشانی، محسن. (۱۴۰۶ق). **الوافی**. اصفهان: كتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۹. فیومی، احمدبن محمد. (بی تا). **المصباح المنیر**. قم: دار الرضی.
۳۰. كاشف الغطاء، حسن. (۱۴۲۲ق). **انوار الفقاهة**. نجف: مؤسسة كاشف الغطاء.
۳۱. كلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الكافی**. چاپ چهارم. تهران: دار الكتب الاسلامیة.
۳۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). **مرآة العقول**. چاپ دوم. تهران: دارالكتب الاسلامیة.
۳۳. محقق داماد، سید محمد. (۱۴۱۶ق). **كتاب الصلاة**. چاپ دوم. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
۳۴. مرتضوی، سید محسن. (۱۳۹۷). **تلقیح مصنوعی در آینه فقه**. قم: بوستان كتاب.
۳۵. مظاہری، حسین، استفتانات. **پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مظاہری**، بازیابی شده در شهریور ۱۴۰۱ از: <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?TabId=0901#h30>
۳۶. مكارم شیرازی، ناصر. استفتانات. **پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مكارم شیرازی**، بازیابی شده در شهریور ۱۴۰۱، از: <http://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21>
۳۷. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). **جواهر الكلام**. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. نراقی، ملا احمد. (۱۴۱۵ق). **مستند الشیعة فی احكام الشریعة**. قم مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
۳۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود. استفتانات. **پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی**، بازیابی شده در شهریور ۱۴۰۱، از: <http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions>
۴۰. یزدی (طباطبایی)، سید محمدکاظم. (۱۴۰۹ق). **العروة الوثقی**. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۱. یزدی (طباطبایی)، سید محمدکاظم. (۱۴۱۴ق). **تكملة العروة الوثقی**. قم: داوری.
۴۲. یزدی (طباطبایی)، سید محمدکاظم. (۱۴۱۹ق). **العروة الوثقی (المحشی)**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۹
زمستان ۱۴۰۱

۱۲۸

References

The Holy Qur'an

1. 'Āmilī, Sayyid Jawād ibn Muḥammad. 1998/1419. *Miftāḥ al-Kirāmah fī Sharḥ al-Qawā'id al-'Allāmah*. 1st. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
2. Āl 'Uṣfūr al-Baḥrānī, Ḥusayn Ibn Muḥammad. 1984/1405. *Al-Ḥadā'iq al-Nādirah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
3. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Aḥām ilā Tanqīḥ Sharā'ī al-Islām*. Qom: Mū'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.
4. Al-Fāḍil al-Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1995/1416. *Kashf al-Lithām wa al-Ibhām 'an Qawā'id al-Aḥkām*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
5. al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. 1985/1406. *Kitāb al-Wāfi*. Iṣfahān: Maktabat al-Imām Amīr al-Mu'minīn 'Ali.
6. Al-Fayyūmī, Abul 'Abbās Aḥmad ibn Muḥammad. n.d. *Al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Sharḥ al-Kabīr lil Rāfi'i*. Qom: Manshūrāt Dār al-Rāfi'i.
7. al-Hāshimī al-Shāhrūdī, al-Sayyid Maḥmūd. *Isṭifā'āt*. Taken from: <http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions>.
8. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1998/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Taḥṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-turāth.
9. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣādiq. 1991/1412. *Fiqh al-Ṣādiq*. Qom: Dār al-Kitāb.
10. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, Sayyid Muḥammad-Riḍā. 2007/1428. *Wasā'il al-Anjāb al-Ṣanā'iyyah*. Beirut: Dār al-Muwarrikh al-'Arabī.
11. al-Ḥusaynī al-Wāsiṭī, Sayyid Muḥammad Murtaḍā. 1993/1414. *Tāj al-'Arūs min Jawāhīr al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr lil Ṭibā'at wa al-Nashr wa al-Tawzī'.
12. Al-Jazīrī, 'Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad; al-Qharawī Sayyid Muḥammad. 1999/1419. *Al-Fiqh 'Alā al-Madhāhib al-Arba'at wa Madhhab Ahl al-Bayt*. Beirut: Dār al-Thaqalayn.
13. al-Khāwansārī, al-Sayyid Aḥmad ibn Yūsuf. 1984/1405. *Jāmi' al-Madārik fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'*. 2nd. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī. Tehran: Maktabat al-Ṣadūq.
14. al-Khumaynī, al-Sayyid Muṣṭafā. 1994/1415. *Taḥrīr al-Wasīlah*. Qom: Dār al-'Ilm.
15. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *al-Kāfi*. 14th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
16. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1984/1404. *Mirāt al-Uqūl*

fī Sharḥ Akhbār al-Rasūl. 2nd. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

- 17.al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1989/1410. *Minhāj al-Şālīhīn*. Qom: Nashr Madīnat al-'Ilm.
- 18.al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Mawsū'at al-Imām al-Khu'ī*. Qom: Mu'assasat Ihyā' Āthār al-Imām al-Khu'ī.
- 19.al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām*. 7th. Edited by 'Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
- 20.al-Narāqī, Aḥmad Ibn Muḥammad Mahdī (al-Fāzil al-Narāqī). 1994/1415. *Muṣṭanad al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihyā' al-Turāth.
- 21.Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Husayn ibn Muḥammad ibn Mufaḍḍal. 1991/1412. *Mufradat Alfāz al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-'Ilm.
- 22.al-Sabzawārī, al-Sayyid Muḥammad Bāqir (al-Muḥaqqiq al-Sabzawārī). 1992/1413. *Muḥadḍḥab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Mu'assasat al-Manār.
- 23.al-Sanad al-Baḥrānī, Muḥammad. 1994/1415. *Sanad al-'Urwat al-Wuḥqā: Kitāb al-Taḥārat*. Qom: Maktabat Fadak.
- 24.al-Sanad al-Baḥrānī, Muḥammad. 2010/1431. *Fiqh al-Ṭib*. Qom: Maktabat Fadak.
- 25.Al-Shūpāyī al-Jūybārī, Ḥusayn. 2016/1395. *Taqrīrāt Dars al-Khārij al-Fiqh, Talqīh Maṣnū'ī*. Qom: Maktabat al-Makhtūt.
- 26.al-Subḥānī al-Tabrīzī, Ja'far. Iṣtiftā'āt. Taken from: <http://www.tohid.ir/fa/index/estefta?sName=%D8%B9%D8%AF%D9%87>.
- 27.al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzīm. 1988/1409. *al-'Urwat al-Wuḥqā fīmā Ta'ummu bihī al-Balwā*. 2nd. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī li al-Maṭbū'āt.
- 28.al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzīm. 1998/1419. *al-'Urwat al-Wuḥqā fīmā Ta'ummu bihī al-Balwā*. Edited by Aḥmad Muḥsinī Sabzawārī. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- 29.al-Ṭabāṭabā'ī, al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-'Allāma al-Ṭabāṭabā'ī). 1976/1397. *al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qur'ān*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- 30.al-Ṭabāṭabā'ī al-Ḥā'irī, al-Sayyid 'Alī (Şāḥīb al-Rīyaḍ). 1997/1418. *Rīyaḍ al-Masā'il fī Taḥqīq al-Aḥkām bī al-Dalā'il*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihyā' al-Turāth.
- 31.al-Ṭabāṭabā'ī al-Hakīm, al-Sayyid Muḥsin. 1995/1416. *Muṣṭamsak al-'Urwat al-Wuḥqā*. Qom: Mu'assasat Dār al-Tafsīr.

Justārḥā-ye Fiqhī va Uṣūlī

Vol.8 , No.29
Winter 2023

130

32. al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzim. 1993/1414. *Takmalatal-Urwat al-Wuthqā*. Qom: Maktabat al-Dāwarī.
33. al-Tabrīzī, Jawād; al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 2006/1427. *Ṣirāṭ al-Najāṭ*. Qom: Dār al-Ṣiddīqat al-Shahīdah.
34. Bahjat Gīlānī Fūmanī, Muḥammad Taqī. *Istiftā'āt*. 2007/1428. Qom: Daftar-i Haḍrat-i Āyat Allah (The office of the Author).
35. Dihkhudā, 'Alī Akbar. 1994/1373. *Lughat Nāmih-yi Dihkhudā*. Tehran: Mu'assisi-yi Intishārāt-i wa Chāp-i Dānishgāh Tehrān (Tehran University).
36. Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). 1992/1413. *Man Lā Yahḍuruh al-Faqīh*. 2nd. Qom: Mu'assasat al-Nash al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
37. Kāshif al-Ghiṭā', Ḥasan ibn Ja'far. 2001/1422. *Anwār al-Fiqāha (Kitāb al-Ṭahārat)*. Najaf: Maṭba'at Kāshif al-Ghiṭā al-'Āmma.
38. Makārim Shīrāzi, Nāṣir. *Istiftā'āt*. Taken from: <http://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21>.
39. Mazāhirī, Ḥusayn. *Istiftā'āt*. Taken from: <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?TabId=0901#h30>.
40. Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 1995/1416. *Kitāb al-Ṣalāt*. 3rd. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
41. Murtaḍawī, Sayyid Muḥsin. 2018/1397. *Talqīh Maṣnū'ī dar Āyīnih-yi Fiqh*. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī-yi Hawzi-yī 'Ilmīyyi-yi Qom).
42. Shubayrī Zanjanī, Sayyid Mūsā. 1998/1419. *Kitab-i Nikāh*. Qom: Mu'assisi-yi Pazhūhishī-yi Rāy Pardāz.